دوفصلنامه علمی ـ تخصصی انجمن فقه سیاسی
سال نهم / شماره ۱۰ پاییز و زمستان ۱۴۰۰

Two quaterly scientific- specified political islamic jurisprudence association
Year 9, No 10 , Autumn & Winter 2021

نسبت عدالت و امنیت در فقه سیاسی شیعه و اهل سنت

□ عباسعلی جاوید *

چکیده

بر قراری عدالت و تامین امنیت از اساسی ترین وظایف و کارکردهـای حکومـت در اسـلام و نظـام سیاسـی اسـلامی اسـت. . قـرآن و سـیره ای سیاسـی و اجتمـاعی پیـامبراعظم(ص) و امیرالمومنین (ع)، الگو و اسوه ی بی بدیل از هم پیوندی عمیق عدالت و امنیت، ارائه می دهد؛ بـه گونه ی که کاستن از توازن معقـول و منطقـی بـین ایـن دو مفهـوم کلیـدی (عـدالت _ امنیـت) و فروکاست از یکی به نفع دیگری، پیامد های سیاسی اجتماعی غیر قابل جبران بـه دنبـال خواهـد داشت. نوشته ی حاضر، بر اساس آموزه هـای قـرآن و روایـات معصـومین (ع)، بررسـی نسـبت مندی دو مقوله اساسی عدالت -امنیت ، از منظر فقـه حکـومتی شـیعه و اهـل سـنت را بـا هـدف آگاهی از نقطه نظرات اندیشمندان دو مذهب و وقوف بر نقاط ضعف و قوت رویکرد ها، مد نظـر قرار داده و از روش توصیفی - تحلیلی با استفاده از منابع کتابخانه ای بهره برده است.

از یافته هایی این نوشته که به اختصار می توان گفت : اینست که از منظر فقـه حکـومتی اهـل سنت، نسبت معنا داری بین عدالت و امنیت وجود نداشته و امنیت به طور مطلق مقدم بر عـدالت (امنیت محور) می, باشد. و به پیامدهای چنین رویکـردی نیـز گوشـزد شـده اسـت. امـا در فقـه سیاسی شیعه که بر اساس قرآن و روایات اهلبیت (ع) سامان یافته است، توازن معقول و نسـبت و پیوند تنگاتنگ میان عدالت و امنیت، (عدالت محور) مورد تاکید بوده و در سیره و سنت حکومتی پیامبر (ص) و امیرالمومنین(ع) متبلور گشـت و بـه شـکل جـامع و کامـل در حکومـت جهـانی مهدوی(عج) محقق خواهد شد.

کلید واژه ها: عدالت، امنیت، فقه سیاسی شیعه، فقه سیاسی اهل سنت.

---

* دانش آموخته کارشناسی ارشد علوم سیاسی، موسسه امام خمینی.

مقدمه

عدالت و امنیت از مباحث و مسایل محوری و پر اهمیت در فقه سیاسی اسلام می باشد. در قرآن کریم و روایات معصومین(ع) و همچنین سیره سیاسی اجتماعی آنان، اهمیت عدالت و امنیت به عنوان مهمترین کارکرد و حتی از اهداف عالیه ی حکومت اسلامی، به وضوح قابل مشاهده است. اصولا، کارایی و کارکرد و میزان توفیق حکومت ها در اسلام بر اساس سنجه ی برقراری عدالت و تامین امنیت، مورد ارزیابی و ارزشگذاری قرار می گیرد.

بحث مهمتر در این زمینه نسبت معقول و منطقی میان این دو مقوله ی بنیادین است که تعیین کننده سرشت و سرنوشت حکومت ها در ساحت نظر و عمل در گذر گاهها و آوردگاه های تاریخی، تجربه و مشاهده شده است. پژوهش های خوبی از سوی فقها و اندیشمندان اسلامی و غیراسلامی در باره ی فقه سیاسی ، به طور کلی و مبحث عدالت و امنیت به عنوان شروط حاکم و وظیفه و کار ویژه ی حکومت اسلامی، صورت گرفته است. به طور مثال می توان به کتاب های، أبی یعلی، ١٤٠٦ ه-ق "الاحکام السلطانیه" و ألماوردی، ۱۳۹۳ ه-ق" ألاحکام السلطانیه والولایات الدینیه" و خواجه نظام الملک، ٤٧٩ ق " سیرالملوک یا سیاستنامه" و غزالی ١٣٦٧ ش " نصیحة الملوک " از علمای اهل سنت، و تعداد زیادی از تصنیفات فقهای بزرگوار شیعه که در آغاز به صورت پراکنده در ابواب مختلف فقه عمومی مطرح شده و از عصر فقها ی بزرگ، همچون شیخ صدوق (ره) متوفای ۳۸۱ ه -ق، و شیخ مفید (ره) متوفای ٤١٣ ه- ق، و شیخ الطایفه طوسی (ره) (م ٤٦٠)، از قدما ،و در آثار متاخرین که از زمان مرحوم محقق حلی (٦٠٢-٦٠٧٦) در تعدادی از کتابهای وی مطرح گردیده و در آثار محقق کرکی(ره) به صورت گسترده و با طرح ابعاد مختلف مسایل فقه سیاسی از جمله نیابت عام فقیه جامع الشرایط در کلیه امور حکومتی و لزوم اطاعت مردم از وی، به استدلال پرداخته و به طور مبسوط به بحث پرداخته است. پس از وی، مرحوم مهدی نراقی با صراحت بیشتر، بحث فقه سیاسی و حکومتی را پی گرفته و در آثار مرحوم میرزای نایني،بویژه۱۳۲۷ق " تنبیه الأمه وتنزیه المله " مباحث فقه سیاسی و فلسفه و تحلیل سیاسی، همزمان صورت گرفته است.

اما اوج این روند را در سیره ی علمی حضرت امام خمینی (ره) که باتدریس درس های ولایت فقیه و سپس تدوین و انتشار آن در کتاب امام خمینی (ره) ١٣٦٨ ش " البیع" آغاز و

باپیروزی انقلاب اسلامی و استقرار نظام جمهوری اسلامی در ایران بـر پایـه ی نظریـه ی ولایـت فقیه ، جنبه و سویه ی عملی به خود گرفت، می تـوان مشـاهده کـرد. حضـرت امـام (ره) در ایـن کتاب، ضمن استدلال و استناد به آیات قرآن کریم و سیره قولی و عملی پیـامبراعظم (ص) و أیمـه ی معصومین (ع) و دلایل عقلی، از یک طرف ضرورت تشکیل حکومت در اسـلام را ثابـت و از سوی دیگر با دلایل عقلی و نقلی ضرورت حاکمیت قوانین اسلامی در زمـان غیبـت را بـا عهـده داری فقیه جامع الشرایط به اثبات می رسـاند. از بَعدسـوم، دلایـل نفـی حکومـت اسـتبدادی بـر اساس آراء و امیال نفسانی و حتی مشروطیت و جمهوری خواهی بر مبنـای قـوانین بشـری را نیـز مردود می داند. حفظ مرز های کشور اسلامی و دفاع در برابر تهاجم دشمنان را بـه اسـتناد همـان دلایل، ضروری می شمارد. از زمان پیروزی انقلاب اسلامی، فقه سیاسـی بـا اسـتقرار جمهـوری اسلامی، با رهبری امام خمینی (ره)جامه حکومت و نظام سیاسـی بـر تـن کـرد، ضـرورت طـرح مباحث فقه سیاسی و موضوعات زیر مجموعه ی آن، بیش از پیش، آشکارگردیده است. از همـین رو آثار ارزشمندی از سوی اندیشمندان در عرصه مباحث فقه سیاسی تهیه وتدوین شده است کـه به طورنمونه به کتب گرانسنگ آیت الله عمید زنجانی در مجموعه ای به عنـوان " فقـه سیاسـی" و آیت الله منتظری، " مبانی فقهی حکومت اسلامی " و به نسبت کمتر، کتابها و مقالات نویسندگان دیگر، نیز می توان اشاره کرد.

نوشته حاضر، با توجه به این مطلب، نسبت عدالت و امنیت، به صورت تطبیقی کـه کمتـر در محور توجه قرار داشته را مد نظر قرار داده است. امتیاز مباحث تطبیقی، یکی در اینست که هریک از موضوعات و مسایل به صورت گسترده و تخصصی تر مورد بحث قرار می گیرد. دیگر ایـن کـه نقاط ضعف و قوت رویکردهای علمی پشتوانه ی هریک از مسـایل و موضـوعات مـورد بحـث، آشکارتر می شود. همچنین مباحث از جنبه ی صرف تئوریک خارج و صبغه ی کاربردی به خـود می گیرد.

این نوشته در صدد پاسخگویی به این سئوال اصلی است که چه نسبتی بین عـدالت و امنیـت از منظر فقه سیاسی شیعه و اهل سنت وجود دارد ؟ فرضیه مقالـه اینسـت کـه: نسـبت معنـا داری میان عدالت و امنیت در فقه سیاسی اهل سنت وجود ندارد و در سطح نظر و عمل ، جانب امنیت ترجیح داده شده است. اما در فقه سیاسی شیعه پیوند و تلازم تنگاتنگ میان این دو مقولـه کلیـدی وجود دارد که ضمن بیان تعاریف و ویژگیهای فقه سیاسی هریک، به اثبات فرضیه فوق، پرداختـه شده است.

۱-فقه سیاسی

تعریف :مباحثی تحت عنوان: جهاد، امر به معروف و نهی از منکر، حسبه، امامت و خلافت، نصب امراء و قضاوت، صفات حاکم و قاضی، مامورین جمع آوری وجوهات شرعیه، مئولفهٔ قلوبهم، دعوت به اسلام، جمعه و جماعات و برگزاری مراسم عید، صلح و قرار داد های بین المللی، تولا و تبرا ، همکاری با حاکمان و.... را احکام السلطانیه یا فقه سیاسی، می گویند. عمیدزنجانی۱۳۸۸ش، "بایسته های فقه سیاسی، ص۱۱ .

۱-۱- فقه سیاسی در گذر تاریخ:

فقه سیاسی در طی عمر تکوینی و تدوینی خود، راه درازی را پیموده است. هرچند تاریخ تدوین آن، به نسبت شکل گیری، کوتاه تر بوده است.

از نظر شیعه منشاء پیدایش فقه سیاسی به عصرنزول قرآن و حاکمیت پیامبراکرم (ص) باز می گردد؛ در آن دوره خطوط کلی فقه سیاسی در زمینه جهاد، حکومت، تولا و تبرا و صلح و قرار دادهای بین المللی، اصول و بنیادهای دیپلماسی، بر اساس آیات شریف قرآن که در یک دسته بندی به سه دسته ی: ملی، که مربوط به داخله جامعه اسلامی و مسلمانان است. که با خطاب های " یا أیها الذین آمنو " و آلإسلام " و.. نازل شده است. و منطقه ی : که مخاطب آن، معتقدان ادیان توحیدی، می باشند. مانند : آیاتی که خطاب" أهل الکتاب" یهودی " یا " نصاری " و امثال آن، دارد . و آیات بین المللی، که به کل جهان و با عناوین " ناس " " بشر " "بنی آدم" و... نازل شده است . و احکام و خطابهای مربوط به هر دسته را بیان می فرماید.* جوادی آملی، ۱۳۷۸ش، " تفسیرتسنیم " ، ج۱، ص٥٦

پیامبراکرم (ص) به عنوان مبین و مفسر قرآن ، قواعد کلی فقه سیاسی را با سنت قولی و عملی، چه در احکام تاسیسی و چه در احکام امضایی، بنیان گذاری و به عنوان الگو و اسوه معرفی و شناخته شد. " لقدکان لکم فی رسول الله أسوة حسنه" (أحزاب، آیه ۲۱) .

۱-۲- ویژگی های فقه سیاسی شیعه و اهل سنت:

شیعه و اهل سنت در این واقعیت اتفاق نظر دارند که چون دوره نزول وحی الهی از جهت زمانی محدود بوده و نظام سیاسی و مسائل ثانوی سیاسی بسیط و اجمالی بوده است، پاسخ

بسیاری از مسائل و مو ضوعات مبتلابه در آینده، به طور بالفعل وجـود نداشـته و استحصـال آنهـا نیاز به کوشش و اجتهاد دارد. اما در عین حال، فقه سیاسی در هریک، از ویژگی هـایی برخـور دار است که به اختصار اشاره می شود:

الف: فقه سیاسی اهل سنت:

۱- نقص نص:

به اعتقاد متفکران اهل سنت، احکامی که به وسیله قرآن و سنت تشریع شده محدود و متناهی بوده و مسائل و حوادث که پیش می آید نا متناهی است و پاسخ برخی از آنهـا حتـی در منـابع اولیه ی وحی ، وجود ندارد ! که از آن به نقص نص یا نارسـایی مکتـب تعبیـر شـده اسـت. (صدرا، " ویژگی های فقه سیاسی اهل سنت" نشریه علوم سیاسـی، دانشـگاه بـاقر العلـوم (ع) تابستان، ۱۳۸۱،شماره ۱۸ ص ۹۵

۲- اجتهاد به رأی :

پیامد طبیعی چنان اعتقادی، کشیده شـدن بـه ورطـه ی اجتهـاد بـه رأی و عمـل بـه قیـاس و تشخیص و عقیده شخصی است. (برای نمونه، " ابوالأعلی مودودی " با تاکید برتوجـه أکیـد ابـو حنیفه بر قرآن و سنت، می گوید: " و به نظر او (ابوحنیفه) ... قیاس و رأی باید در خـدمت تشـریع یا قانون گذاری در مسائلی باشد که آنجا دستوری داده نشده باشد." (ابن حـزم اندلسـی) نیـز در این خصوص متذکر می شود " همه شاگردان او اقرار کرده اند که اسلوب کار ابوحنیفه این بود کـه حتی یک حدیث ضعیف را بر عقیده شخصی، که بر پایه قیاس یا رأی شخصی شکل گرفته باشد، مرجح می دانست) که در این خصوص اجتهاد فقهـی را مـرادف عقیـده شخصـی لحـاظ کـرده است.) همان، ص ۹۷

۳- مبانی و توجیهات دو نگرش فوق:

یکم : جریان سقیفه : به رغم تصریح قرآن کریم بر ولایت الهی و جانشینی حضرت علی (ع) پس از پیامبر گرامی اسلام که در آیات متعدد، بیان شده است و علما ی بـزرگ، از آنهـا بـه عنـوان آیات ولایت نام برده اند. (مکارم شیرازی،۱۳۸٦ش، آیات ولایت در قرآن، تهیـه و تنظـیم، علیـان

نژادی، ص۲۵ به بعد .) و همچنین تصریح پیامبرگرامی اسلام، به مناسبتهای مختلف و در زمانهای متعدد، جریان طرفدار سقیفه، به عنوان نخستین نقطه آغازین انحراف ، با اجتهاد در مقابل نص، و با تشبث به استدلالهای سست و واهی، مسیر اصلی و درست مکتب تمدن ساز اسلام را به انحراف سوق دادند که زمینه ساز پیامد های بسیار مخرب و ویرانگر در جامعه ی اسلامی، پس از رحلت پیامبر اکرم (ص) تا کنون، گریبان جامعه ی اسلامی را گرفته و باعث خلق فجایع بی شماری گردیده است. از جمله در موضوع" عدالت،" و" امنیت ،" که در سطور بعد به آن پرداخته خواهد شد.

دوم : اغراض سیاسی : به اعتقاد محققین، جریان سقیفه با انگیزه ها و اغراض سیاسی و با توجیه اینکه کتاب خدا در میان ما کافی است، از نقل احادیث پیامبر (ص) که توضیح و تفسیر و تبیین کتاب الله بود ه و هست، به بهانه ی اختلاف در میان امت، جلوگیری و با ناقلین حدیث به شدت برخورد می کردند.

هردو خلیفه اول ودوم، با قول و عمل، مانع نقل حدیث ازپیامبر اکرم (ص) می شدند !!! و احادیثی را که توسط برخی از صحابی پیامبر(ص) نقل شده بود را جمع آوری و می سوزاندند!! * ذهبی، ١٤١٩ق "تذکرة الحفاظ" ج ۱ ص ۱۰-۱۱) و (علامه عسکری، ١٤١٠ق، " معالم المدرستین " . ج ۲ ص٤٤)

در مجموع، جریان منع حدیث از زمان خلفا شروع و به مدت قریب یک صد سال، تا زمان عمربن عبدالعزیز به طول انجامید ! این جریان شوم و مخرب که به ادعای واهی - خلفای اول و دوم وسوم و بعد، سلطنت معاویه و... که باعث کنار گذاشته شدن قرآن و اختلاف در میان امت می شود! نه تنها مانع این امور نشد ، بلکه باب تأویل گرایی با رأی شخصی(تفسیر به رأی)، نسبت به قرآن از یک سو و محروم شدن از احادیث و فرمایشات پیامبر اکرم (ص) از سوی دیگر و گرم شدن بازار جعل احادیث و اجتهاد در مقابل نص، که مرحوم (علامه شرف الدین) در کتاب " اجتهاد در مقابل نص " ترجمه : دوانی، علی ، بیش از صد مورد را بیان می کند. که نخستین مورد آن، همان جریان سقیفه بود که در فوق به آن اشاره شد.

اغراض سیاسی نهفته در دو نگرش و گرایش یاد شده، در چند مورد بروز وظهور یافت:

الف : مخفی ماندن نصوص اصلی در مورد ولایت و امامت امام علی (ع)

ب : جلوگیری از گسترش علوم و فضائل أیمه ی اطهار (ع) و شایستگی آنان در رهبری امت اسلامی

ج : آزاد بودن و بسط ید خلفا و حکام در انجام خواسته ها و توجیه اعمال و عملکـرد هایشـان که در تضاد آشکار با قرآن وسنت پیامبر(ص) قرار داشتند.

۴- پیامد ها و آثار سیاسی نگاه فقهی اهل سنت:

الف : تطبیق اسلام با امر واقع و مقتضیات سیاسی زمان و مکان، یا بـه تعبیـر دیگـر ، پسـینی بودن فقه سیاسی اهل سنت؛ فقه سیاسی اهل سنت با ویژگیهای که داشته است در راستای تطبیـق و توجیه امر سیاسی وحکومت (که به طور عمده در دست حاکمان شان بوده است، پایه گذاری و حرکت کرده است. نه اینکه امر واقع و مقتضیات را بـا احکـام و قـوانین اسـلام، مـورد سـنجش و ارزیابی و تطبیق قرار داده باشند. ! کم ترین پیامد سیاسی - اجتماعی این رویه، بد بینـی و بـدنامی آموزه های دینی در افکارعمومی، در صورت عملکرد ناصواب و رویکرد خطا و اشتباه حُکام، کـه بسیار اتفاق افتاده است. ! و در تاریخ، ثبت و ضبط شده است.

ب : انسداد باب اجتهاد : نگره فقهی پیش گفته، بخاطر مبادی و ریشه های نادرسـت، باعـث تشتت و اختلاف آراء شدید و به وجود آمدن مذاهب فقهی متفاوت در میان اهل سنت گردید؛ تـا جایی که خود رهبران اهل سنت، صلاح کار را در انسداد اجتهاد و حصر مذاهب عامـه در چهـار مذهب معروف، دیدند. * شهید مطهری ، مجموعه مقالات، ص۵۳ بـه نقـل از :" ویژگـی هـای فقه سیاسی اهل سنت، " نشریه علوم سیاسی، ص،۱۰۲

این حصر، همچنان ادامه داشت تا بر اساس اندیشه ی بازنگری و اصـلاح در دوران معاصـر، توسط "شیخ شلتوت " مفتی اعظم مصر، شکسته شد و رجوع پیروان هریک از مذاهب به مـذهب دیگر از جمله شیعه مجاز دانسته شد. این کار هرچند به فرموده شهید مطهری (ره) گامی بلنـد در فقه به سوی خیر وصلاح مسلمین بوده است . اما اصلاح اساسی جز با اصلاح مبادی ، ریشه هـا و آسیب ها میسور نیست. * همان ص ۱۰۳

ب : شاخصه های فقه سیاسی شیعه :

۱-منشاء و خواستگاه و عدم جدایی قرآن و سنت : فقه سیاسی شـیعه آنگونـه کـه در مقدمـه، گفته شد، به لحاظ منشاء و خواستگاه، به دوران زعامت پیامبر اکرم (ص) و عصر نزول وحی، بـاز می گردد و به اعتقاد شیعه، اصول کلی و خطوط اصلی دین کامل و جامع اسلام در قـرآن کـریم و جزئیات و شرح و تفسیر آن در اصول و فروع، در لسان پیامبر گرامی اسـلام و أئمـه ی اطهـار (ع)

به صورت قولی و عملی، بیان و شرح داده شده است . * " ونزلنا علیک الکتاب تبیانا لکل شئی " (سوره مبارکه نحل: آیه ۸۹) " ما قرآنی که بیان کننده ی هرآنچه که برای هدایت بشر، لازم است را بر تو نازل کردیم" و آیه مبارکه " ألیوم أکملت لکم دینکم وأتممت علیکم نعمتی ورضیت لکم الإسلام دینا" (مائده ۳) " امروز دین شمارا کامل و نعمت خود بر شما تمام و دین اسلام را برای شما برگزیدم"

۲-جامعیت و پاسخگویی به نیاز های جامعه : در روایات فراوان، بر این مسأله تأکید شده است که قرآن و سنت پیامبر (ص) احکام و قوانین و هرآنچه که در رسیدن به سعادت بشریت و دوری از شقاوت وبدبختی وی ، نقش داشته را بیان کرده است. که به دو مورد ازآن، اشاره می شود: " ... عن أبی عبدالله (ع) قال: إن الله أنزل فی القرآن تبیان کل شئ حتی والله ما ترک شیئا یحتاج إلیه العباد حتی لا یستطیع عبد یقول لوکان هذا أنزل فی القرآن إلا و قد أنزله الله فیه " : (امام صادق (ع) فرمود: خدای تبارک وتعالی بیان هر چیز را فرو فرستاده تا آنجا که به خدا سوگند چیزی را از احتیاجات بندگان فروگذار نفرموده و تا آنجا که هیچ بنده ی نتواند بگوید ای کاش این در قرآن آمده بود، جز آنکه خدا آن را در قرآن فرو فرستاده است.) * کلینی، ۱۳۶۳ش" اصول کافی" ج ۱ ص ۵۹ روایت ۱

در روایت دیگر از امام باقر(ع) نقل شده است : " ...عن أبی جعفر(ع) قال : خطب رسول الله (ص) فی حجة الوداع فقال: أیهاالناس إنه والله مامن شئ یقربکم من الجنة و یباعدکم من النار إلا وقد أمرتکم به و ما من شئ یقربکم من النار ویباعدکم من الجنة إلا وقد نهیتکم عنه.." (پیامبراکرم(ص) فرمود : ای گروه مردم، هرآنچه را که شمارا به بهشت رهنمون و از جهنم دور سازد برای شما بیان و ازهر آنچه که شمارا به آتش نزدیک و از بهشت دور سازد، نهی کردم) * کلینی، ۱۳۶۳ش، اصول کافی، چاپ اسلامیه، جلد ۲ ص ۶۷

۳- باز بودن باب اجتهاد و پویایی فقه :در زمان غیبت امام معصوم (ع) و با دستور آنان، در مواردی که تحت عنوان احکام ثانویه یا مسائل مستحدثه که در طی زمان، با توجه به تکامل و پیچیدگی اجتماع و ... به وجود می آیند، فقهای بزرگوار که با تلاش طاقت فرسا و با شیوه های علمی اصولی وفقهی، حکم آن موارد را از اصول اصلی یاد شده استنباط و برای عموم، بیان می کنند. در مورد مسایل مهم سیاسی ، فقیه جامع الشرایط به عنوان حاکم اسلامی و با درنظر داشت مصالح مسلمین، با صدور حکم حکومتی در حل مسایل و مشکلات نقش اساسی و مهم داشته و مسایل کلان جامعه را مدیریت و در اتحاد و هماهنگی جامعه اسلامی جایگاه و نقش بی بدیل،

ایفا می نماید.

با توجه به ویژگی ها و شاخصه های فقه سیاسی شیعه و اهل سنت که تا کنـون بـه آن پرداختـه شد، الزامات و پیامدهای آنها را در دو مقوله عدالت و امنیت در ادامه ی سیر بحث پی می گیریم.

۲- عدالت: در لغت به معـانی زیـل معنـا شـده اسـت: عـدل بـه معنـی مسـاوات؛ (راغـب اصفهانی) " المفردات فی غریب القرآن" ۱٤۱۲ ق . ج۱، ص ٥٥۱، واژه عدل. و تقسـیم مسـاوی؛ لویس معلوف، " المنجد"، ۱۳۸۹ ش، ج۱، ص٤۹۱-٤۹۲ واژه عدل.

امام علی (ع) در معنای عدل و برتری عدل برجود و بخشش، می فرمایند: " عـدل و دادگـری، اشیاء را به جای خود می نهد، و بخشش آنهارا ازجای خود بیرون می نماید؛ زیرا جـواد زیـاده بـر استحقاق، می بخشد. و عدل نگهدارنده و تدبیر کننده ی همگان است، جود فقط بـه کسـی بهـره می دهد که به او بخشش شده است. پس عدل شریفتر و برتر می باشد. " نهج البلاغه"، ترجمـه و شرح، فیض الاسلام ، ۱۳۷۳ ش، ص۱۲۹۰ کلمات قصار ، کلام ٤۲۹

مرحوم شهید مطهری برای عدالت چهارمعنی را بیان می کند :

الف : موزون بودن : که در ساحت فرد به معنای تعادل قـوا و در اجتمـاع بـه معنـای تناسـب اعضا و تقسیم کار به صورت متوازن بین اعضا .

ب : تساوی و نفی هرگونه تبعیض، یعنی با همه چیز و با همه کس به یک چشم نظر شـود و هیچگونه استحقاقی در نظر گرفته نشود .در این صورت ظلم بالسویه هم عدل است!

ج : رعایت حقوق افراد و عطا کردن به هر ذی حق، حق او را و ظلم، حالت عکس آن اسـت. شهید مطهری (ره) معنای حقیقی عدالت اجتماعی را همین معنـی مـی دانـد. و در کـلام دیگـر، گذاشتن اشیا در جای خود؛ وضع کل شی فی موضعه

د : رعایت استحقاقها در افاضه وجود و امتناع نکردن از افاضه و رحمت بـه آنچـه امکـان یـا کمال وجود دارد. عدل به این معنی ازصفات خداوند متعال است که از آیات شریف قرآن کـریم، از جمله آیه شریفه " ربنا الذی أعطـی کـل شیء خلقـه ثـم هـدی " (سـوره مبارکـه طـه آیـه ٥۰)؛ پروردگار ما کسی است که به هرچیزی آفرینش خاص آن را عطا کرده و آنگـاه آن را بـه راه کمـال هدایت فرمود.

خداوند متعال، که کمال مطلق ، خیر مطلق و فیاض مطلق است، بـه هـر موجـودی آنچـه را برای او ممکن است از وجود و کمال، اعطا می کند. عدل الهی کـه از نظـر شـیعه از اصـول دیـن است؛ به این معنی است . و ظلم، نقطه مقابل آنست .(شهید مطهری ،۱۳٦۷ش، "عدل الهـی "

ص٥٤-٥٨)

۲- عدالت فردی و عدالت اجتماعی : در یک تقسیم بندی ، عدالت به فردی و اجتماعی تقسیم می شود . عدالت در فرد ، به دو دسته عدالت در فقه و اخلاق ، اطلاق می شود . عدالت در فقه به حالتی گفته می شود که انسان را از گناهانی که به نظر عرف متشرع، کبیره به حساب می آید، باز می دارد. و اگر این حالت به صورت ملکه راسخ، در انسان تبدیل شود، به آن عدالت اخلاقی، گفته می شود. (علامه طباطبایی، المیزان، جلد ٦ ص ۲۹۹-۳۰۰)

البته عدالت، تقسیمات فراوان دارد، از قبیل : عدالت سیاسی، اجتماعی، اداری، سیاسی و... که در جای خود از سوی اندیشمندان و در کتب و مقالات مربوطه مورد بحث قرار گرفته است. نقطه محوری در تعریف و توصیف عدالت، " گذاشتن هرچیز در جای خود است. "

جایگاه عدالت در فقه سیاسی شیعه و اهل سنت :

بحث عدالت که در اصل، بحث کلامی است و از حوزه ای کلام به قلمرو فلسفه و فقه عمومی و از آنجا به فقه سیاسی وارد و مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. در عرصه ی کلام، پیرامون عدل، بحث ها و مشاجرات زیادی در میان بزرگان اهل سنت صورت گرفته است و دو دسته ی کاملا مقابل هم (اشعری واعتزالی) رو در روی هم شکل گرفته که یکی طرفدار جبر و جبرگرا و دیگری طرفدار تفویض شده است. متاسفانه حاصل بحث های یادشده جز پیدایش اختلاف و تشتت آرا و مشکلات دیگر، نبوده است. که در علم کلام به صورت گسترده و به تفصیل، بحث شده است . اما پیامدهای حل نشدن مسایل کلامی در کلام اهل سنت، در فقه سیاسی بیشتر بروز و نمود داشته است .

آن گونه که پیش از این گفته شد، نقطه آغاز انحراف، از سقیفه و برگزار کنندگان آن رقم خورد . بانیان سقیفه که برخلاف نص صریح و متواتر، از خطوط اصلی که به دستور خداوند و تصریح پیامبر (ص) در موارد و مواقع متعدد، انجام شده بود، عدول و بنیاد همه ای مشکلات بعدی که تا کنون گریبان گیر جامعه اسلامی است را پایه گزاری کردند!! * الجعفرالخلیلی، " السقیفه أم الفتن " ص ۹ و علامه طبا طبایی، " المیزان " ج۳ ، ص٦٤ آنان از شرط عصمت و عدالت در خلیفه ، چشم پوشی و نص صریح فرآن و پیامبر (ص) را نادیده گرفتند . پایه گذاری چنین سنتی، مبنای نظریات شورا یا اهل حل و عفد، استخلاف یا تعیین جانشین و حتی نظریه ای استیلا و غلبه و

سلطنت و تصاحب قدرت با زور نیز ، قرار گرفت . در هرسه مبنا از وجود شرط عدالت در حاکم ، سخنی به میان نیامده است . به ویژه در شیوه ی استیلا و غلبه که مبنای غالب در میان اهل سنت و بنیان گذاران مذاهب چهارگانه آنان، بوده است . گفته شدیکی از ویژگی های اصلی فقه سیاسی اهل سنت، توجیه امرسیاسی یا پسینی بودن آن است که بر اساس آن شیوه ی استیلا و کسب قدرت با زور، توجیه و هرگونه مقاومت در برابر آن به مخالفت با خلیفه و حاکم و سلطان و امیر، هرچند آشکارا خلاف شرع رفتار کند، مخالفت با نظم و امنیت ، تلقی و ناروا و غیر مشروع و محکوم است . * قادری ،۱۳۷۸ش " اندیشه های سیاسی در اسلام وایرن" ص ۷۲ عصاره ی نظریات فقهای اهل سنت در باب عدالت، در حد توصیه و اندرز به حاکم، تنزل یافته (عدالت نازل) * به طورمثال : غزالی ، ۱۳٦۷ش " نصیحة الملوک " یا خواجه نظام الملک، " سیاستنامه یا سیرالملوک" یا در مورد انتخاب کنندگان خلیفه در روش (اهل حل و عقد)، برخی گفته اند که آنان باید عادل باشند. در بهترین حالت، توسعه در شمول صحابی پیامبر (ص) را عموما عادل و مبرا از خطا وگناه دانسته و کار حاکمان مستبد را به عنوان صحابی یا تابعین و اینکه نظم دهنده و تامین کننده امنیت، هستند، توجیه می کنند. * اخوان کاظمی،۱۳۸٦ ش،" عدالت در اندیشه های سیاسی اسلام "ص۱۱٤

اما در مکتب شیعه، اولا : عدالت به عنوان صفت خداوند از اصول عقایید و در ردیف اصول توحید ونبوت و معاد قرار دارد . و همچنین از دلایل ارسال و بعثت پیامبران و از جمله براهین اثبات معاد نیز می باشد. ریشه ی اصلی و سرمنشاء طرح بحث عدل در مکتب شیعه، پیروی از قرآن کریم و روایات است. در قرآن کریم، برعدل تکوینی و تشریعی تصریح شده است:

عدالت تکوینی : قرآن اساس نظام هستی و خلقت را برپایه ی حق و عدل می داند و در آیات متعدد، خلقت آسمانها و زمین را برحق و حکیمانه و دارای هدف و به دور از بطلان و بیهودگی و پوچی و بی هدفی، می شمارد . * " وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ " انعام آیه ۷۳ و " شهدالله انه لا إله إلا هو والملائکة واولوا العلم قائمابالقسط" آل عمران /۱۸ و" السماء رفعها و وضع المیزان " الرحمن آیه ۷ و " ربنا الذی خلق کل شئ خلقه ثم هدی " سوره طه آیه ۵۰ و " الذی أحسن کل شئ خلقه" سوره سجده آیه ۷ و آیات متعدد دیگر که مفاد آنها حقانیت و عادلانه وزیبا وحکمت آمیز بودن خلقت آسمان و زمین است. در روایات نیز اساس استواری آسمان و زمین، عدالت بر شمرده شده است: " بالعدل قامت السموات والأرض " فیض کاشانی، ۱٤۱٦ق، " التفسیرالصافی "، ج، ۵ ، ص۱۰۷

عدالت تشریعی : همان گونه که در خلقت تکوینی نظام محیرالعقول بر حق و عدل استوار است . در نظام تشریع و قانون گذاری نیز همواره اصل عدل رعایت شده است. درقرآن کریم حکمت ارسال رسل وبعثت انبیا(ع) برقراری عدالت و قسط، دانسته شده است: * " لقدارسلنا رسلنا بالبینات وأنزلنا معهم الکتاب والمیزان لیقوم الناس بالقسط "حدید، آیه ۲۵ (همانا فرستادگان خویش را با دلایل روشن فرستادیم و همراه آنها کتاب و مقیاس (قانون) فرستادیم تا مردم بدین وسیله عدل را به پادارند.)

روشن است برقراری عدالت در روابط اجتماعی مبتنی براین است که اولا نظام تشریعی و قانونی نظام عادلانه و در عمل نیز به مرحله اجرا در آید. در همین ارتباط، از نظر قرآن کریم امامت و رهبری، پیمان الهی و مقامی ضد ظلم و توأم با عدل است : " ... لاینال عهدی الظالمین "؛ (رهبری پیمانی است الهی و ستمکاران را در آن نصیبی نیست.) بقره آیه ۱۲٤ خلاصه اینکه در فقه سیاسی شیعه ، عدالت جایگاه محوری دارد؛ علاوه براین که در ردیف اصول دین و همدوش توحید، رکن معاد، هدف بعثت، و فلسفه زعامت و امامت، قرار گرفته است. * شهید مطهری، ۱۳٦۷ش، " عدل الهی " ص ۳۷ و بیشترین کاربرد عدالت باتوجه به آیات قرآن کریم و روایات معصومین (ع) مربوط به امور اجتماعی است . عدالت در رهبری جامعه و قضات و امام جمعه و جماعات از شروط اصلی و اساسی در فقه شیعه است که در فقدان آن، وظایف یادشده نیز منتفی می باشد.

امنیت : یکی از مفاهیم کلیدی و مهم در نظام های سیاسی ، مفهوم امنیت است . امنیت در همه ای نظام ها و سیستم های سیاسی – اجتماعی، هم به عنوان کارویژه و هم به حیث هدف، مطرح است . در فقدان امنیت، کارکرد و دست یابی به هدف در نظامهای یادشده با پرسش جدی و چالش اساسی مواجه می شود. این مفهوم حیاتی، همچون مفاهیم دیگر مطرح در حوزه علوم انسانی، از پیچیدگی و ابهام و تحول مفهومی برخوردار است. دلیل آن هم بخاطر تحول و پیچیدگی جوامع و شرایط و اقتضائات اجتماعی است. * باری بوزان ، ۱۳۷۸ش" مردم دولت ها و هراس " ترجمه : پژوهشکده مطالعات راهبردی،ص ۱۵

بنابراین ارائه ی تعریف جامع از امنیت، کار دشواری است. اما از مجموع نظریه ها و مطالبی که در کتاب های مربوطه در مورد امنیت گفته شده می توان چنین گفت: " امنیت؛ احساس اطمینان و آرامش و فقدان تهدید نسبت به ارزش ها، عقاید و جان و مال و آبرو در حیطه ی فردی و اجتماعی و حفظ ارزش های حیاتی از تهدید و نابودی از سوی دشمنان در عرصه ی ملی و بین

المللی، می باشد. "

امروزه با توجه به تحول و پیچیدگی جوامع و روابط بین الملل، امنیت نیز دارای ابعاد مختلف فردی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، حقوقی، سیاسی و زیست محیطی گردیده و نظریه ها و نظام های مختلف امنیتی مطرح و شرح و تفصیل داده شده است که در جای مناسب خود، مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. * عبدالله خانی، ۱۳۸۲ش « نظریه های امنیت»، صص۲۳-۳۰

امنیت و جایگاه مهم آن در قرآن و روایات: امنیت که فارسی شده " أمن " هست با مشتقات مختلف آن در حدود ٦٢ کلمه و ۸۷۹ بار در قرآن به کار رفته است. * اخوان کاظمی ، ۱۳۸۵ ش، " امنیت در نظام سیاسی اسلام "، ص ۱۵۱

به طورمثال : با کلمات : آمَنَ، آمِن، آمنون، أمن، و... در روایات نیز با عبارات مختلف بیان شده است که به چند مورد از آیات و روایات، اشاره می شود:

۱-رابطه ایمان و عمل صالح با امنیت: " وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَىٰ لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا ۚ يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا ۚ وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَٰلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ " (خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده و کار های شایسته انجام داده اند وعده می دهد که قطعا آنان را حکمران روی زمین خواهد کرد ... و ترسشان را به امنیت و آرامش مبدل می کند. ..) سوره نور ، آیه ۵۵

۲ - امنیت تکوینی و تشریعی در قرآن و رابطه آن با ایمان : " وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ اجْعَلْ هَٰذَا بَلَدًا آمِنًا وَارْزُقْ أَهْلَهُ مِنَ الثَّمَرَاتِ مَنْ آمَنَ مِنْهُمْ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ.. " (هنگامی که ابراهیم گفت: پروردگارا، این شهر را محل امن و آسایش قرار ده و اهلش را که ایمان به خدا و روز قیامت آورده اند از انواع روزیها بهره مند ساز) سوره بقره آیه ١٢٦

" خداوند به مکه هم امنیت تکوینی داد؛ زیرا در طول تاریخ، حوادث نا امن کننده کمتری به خود دیده و هم امنیت تشریعی، زیرا به فرمان الهی همه انسانها و حتی حیوانات در این سرزمین در امن و امان می باشند." مکارم شیرازی، ۱۳۸۱ ش، تفسیرنمونه، ج ۱۰، ص٣٦٦

۳- رابطه امنیت و فراوانی نعمت : " وَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلاً قَرْيَةً كانَتْ آمِنَةً مُطْمَئِنَّةً يَأْتِيها رِزْقُها رَغَداً مِنْ كُلِّ مَكان فَكَفَرَتْ بِأَنْعُمِ اللَّهِ فَأَذاقَهَا اللَّهُ لِباسَ الْجُوعِ وَ الْخَوْفِ بِما كانُوا يَصْنَعُونَ " (خداوند(برای کسانی که کفران نعمت می کنند)مثلی زده است : منطقه آبادی که امن و آرام و مطمئن بوده و همواره روزیش از هرجا می رسید.) سوره نحل آیه ۱۱۲

امنیت در روایات: ۱- رابطه امنیت و سلامت: " الأمن والعافیة نعمتان مغبون فیها کثیر من الناس" * رسول اکرم (ص)، نهج الفصاحه، ص ۵۹ (امنیت و سلامت دو نعمت است که بسیاری از مردم در آن مغبونند.)

۲- رابطه امنیت و عدالت: " ثلاثة أشیاء یحتاج الناس طرّا إلیها الأمن والعدل والخصب " الحرانی، ۱۳۶۳ ش، تحف العقول، ص۳۲۰ (سه چیز است که همه مردم به آن نیاز دارند: امنیت، عدالت و فراوانی)

۳- امنیت؛ نعمت گوارا: " لانعمة آهنا من االأمن " تمیمی آمدی، ۱٤۱۰ ق، غررالحکم و دررالکلم، ج۱، ص ۷۹۳

از مجموع آنچه از آیات قرآن کریم و روایات معصومین (ع) که به اختصار گفته شد، اهمیت و جایگاه آن در اسلام و توجه به ابعاد فردی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و.. آن، و ارتباط آن با ایمان و عمل صالح و تقوا که عدالت و عدل ورزی از شاخصه های اصلی عمل صالح و تقوا است . در نظام اسلامی به خوبی آشکار می شود.

امنیت در فقه سیاسی اهل سنت: از آنچه در مورد ویژگی ها و مبانی فقه سیاسی اهل سنت گفته شد و آنگونه که در تاریخ اتفاق افتاده که در اکثر قریب به اتفاق ادوار تاریخی، حکومت در اختیار حاکمان سنی بوده و فقها و علمای اهل سنت نیز در توجیه و هماهنگی کامل با حکام و در راستای تطبیق رفتار آنان با شرایط و حفظ وضع موجود، به ویژه در رویکرد حاکمیت استیلا و غلبه، امنیت با شیوه های اجبار و استبداد، محوریت داشته و در مقایسه با فقه سیاسی شیعه که عدالت محور و امنیت را در پرتو عدالت، تفسیر و تبیین می کند. جایگاه محوری امنیت همچنان ملحوظ و محفوظ بوده است. خلفای دوم و سوم کمابیش با همین روش و نگرش و از زمان معاویه به بعد، حکام اموی و مروانی و عباسی و امپراتوران عثمانی، آشکارا، با شیوه های استبداد و جور و ستم، بر مردم حکمرانی کرده اند. که ازسوی فقها و أیمه ی مذاهب اهل سنت، با توجیه قواعد سلطه و برقراری نظم و امنیت و با نقل روایاتی !! اطاعت از آنها را واجب و خروج و قیام علیه آنها را حرام و عصیان می دانند. !! * مسلم،ابی الحسین، " صحیح مسلم،" ج٦ ، ص ۲۰تا۲۳

خلاصه اینکه: فقهای اهل سنت از ماوردی وغزالی وابن تیمیه گرفته تا خنجی وخواجه نظام الملک و... در آرا و نظرات شان ، جانب امنیت را راجح و از شرط عدالت در حاکمان و اجرای آن توسط آنان، چشم پوشی نموده. یا حد اکثر به اندرز و توصیه بسنده کرده اند. !!! بدیهی است

رویکردی چنین تنگ نظرانه و ناقص (امنیت ، منهای عدالت) علاوه بر اینکه به لحاظ نظری، تناقض آمیز است زیرا امنیتی که در فقدان عدالت اعمال شود مساوی با ظلم بوده و ظلم منافی با امنیت به خصوص بُعد معنوی آن (احساس امنیت و آرامش) می باشد. و همچنان با صریح آیات قرآن که قیام به قسط وعدل را و در موارد مهم و امور خطیر، قوام باالقسط بودن را در رهبران و حاکمان، و حکمرانی نیز ضروری می داند، و فقدان آن ملازم با نبود مشروعیت است. از بُعد عملی نیز پی آمدهای غیر قابل جبران و مخرب و ویرانگر را به دنبال داشته است . که از گذشته تاکنون جهان اسلام را درگیر و گرفتار نموده است. مرور کلی بر سرشت و سرنوشت حکومت های فاقد عدالت شواهدی غیر قابل انکار به دست می دهد

امنیت در فقه سیاسی شیعه : فقه سیاسی شیعه که ریشه در عصرپیامبر(ص) و سیره سیاسی آن حضرت و سلوک سیاسی أیمه ی هدی (ع) دارد، بر اساس قرآن و روایات که تفسیر و تبیین قرآن می باشد، با آن که امنیت را از کار ویژه های نظام سیاسی اسلام دانسته و براهمیت آن اصرار و تاکید دارد و ریشه ی امنیت را در ایمان و عمل صالح و اساس امنیت را امنیت معنوی و در بعد اجتماعی - سیاسی، رعایت تقوا و عدالت و رعایت حقوق و حرمت انسانها، رفع فقر، تامین رفاه و معیشت مردم و کلیه ساز و کارهای که امنیت فرد و جامعه را در ابعاد گوناگون سیاسی ، اقتصادی، فرهنگی و... را تامین کند و آن گونه که در قرآن و روایات ، آمده است، امنیت در پرتو محوریت عدالت و ایمان و تقوا ضمن آنکه امنیت و رفاه را به دنبال خواهد داشت، مایه ی جلب و جذب نعمت ها و برکات الهی شده و حیات طیبه ی انسانی را به ارمغان خواهد آورد .

درپایان، به طور فشرده جایگاه واهمیت امنیت را از منظر فقه سیاسی شیعه، به این صورت می توان گفت: امنیت، با تمام ابعاد آن، از جایگاه مهم در فقه سیاسی شیعه برخوردار است و در نسبت آن با عدالت، محوریت از آن عدالت، وامنیت واقعی و ثمربخش، در بستر عدالت و در پیوند ناگسستنی با آن شکل می گیرد. و از وجود عدالت در فرد به ویژه حاکمان و تسری آن در سطح جامعه و بستر جمعی و در کلام دیگر، در اندیشه سیاسی شیعه بر مبنای جهان بینی شیعی، حکمت عملی فلسفه با احکام فقه سلطانی فقه سیاسی در هم آمیخته و ثمره ی شیرین این هم پیوندی همان است که به عنوان حسن ختام در دو آیه ی شریفه قرآن کریم به آن اشاره می شود : " وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِمْ بَرَكَاتٍ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ.." اعراف، آیه ۹۶ (و چنانچه مردم شهرها و دیارها همه ایمان آورده و پرهیزکار می شدند، همانا درهای برکات آسمان و زمین را بر روی آنها می گشودیم). و آیه شریفه " مَنْ عَمِلَ صالِحاً مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثي وَ هُوَ مُؤْمِنٌ

فَلَنُحْيِيَنَّهُ حَياةً طَيِّبَةً وَ لَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ ما كانُوا يَعْمَلُونَ " نحل ۹۷ (هرکس از مرد یا زن که مومن باشد و کارشایسته کند، حتما به زندگی پاک و پسندیده ای زنده می داریم و قطعا مزدشان را نیکوتر از آنچه انجام داده اند، پاداش خواهیم داد.)

جمع بندی ونتیجه گیری:

از آن چه تاکنون مطرح شد، به عنوان جمع بندی می توان گفت: فقه سیاسی به عنوان حوزه مطالعاتی که حاوی اندیشه سیاسی اسلامی است، و مبانی فکری نظام و حکومت اسلامی را به خوانش می گیرد، در شیعه و اهل سنت دارای ویژگی هایی است که دراین نوشته، برای فقه سیاسی اهل سنت ویژگی هایی همچون: نقص نص – یا فقدان احکام برای مسایل وحوادث جدید،– و نارسایی مکتب، حتی در منابع اولیه و به تبع آن، اجتهاد به رأی و عمل به قیاس و استحسان و نظر شخصی و تطبیق احکام موجود بر مقتضیات زمان و مکان، نه با العکس، و به تعبیرامروزی، پسینی بودن اندیشه ی سیاسی اهل سنت. گفته شد.

مبانی فقه سیاسی اهل سنت، ریشه در جریان سقیفه و اغراض سیاسی حاصل از آن داشته است. که این امر پیامدهای بسیاری از جمله: منع نقل حدیث از پیامبر(ص) و مخفی ماندن بسیاری از نصوص در مورد ولایت علی (ع) و گرم شدن بازار جعل حدیث و نقل فضایل ساختگی در باره خلفا و صحابی و عدالت همگانی آنها ! و مهمتر از همه، انسداد باب اجتهاد و توجیه و تطهیر اعمال حکام و سلاطین جور، و به دنبال آن، کم اهمیت بودن عدالت و محوریت امنیت در فقه سیاسی اهل سنت با أغراض سیاسی پیش گفته اما فقه سیاسی شیعه: اولا: ریشه در عصر پیامبر(ص) و زمان و زمینه ی نزول وحی دارد.

ثانیا : فقه سیاسی شیعه از جامعیت و توانمندی پاسخگویی به مقتضیات زمان و پویایی لازم برخوردار بوده و هیچگاه دچار خلاء حکمی نبوده است. این مطلب با استناد به تصریح قرآن؛ با آموزه ی اکمال مکتب و اتمام نعمت امامت به عنوان مفسر و مبین و عالم و عامل مکتب وحی و تصریح احادیث متعدد و متواتر، که در متن به اثبات رسید.

ثالثا: با اینکه امنیت در فقه سیاسی شیعه از اهمیت به سزا برخوردار است. و ریشه ی اصلی امنیت در ایمان و عمل صالح نهفته است، و امنیت معنوی اساس و مبنای کلیه ابعادامنیت، می

باشد . در عین حال، عدالت به عنوان محور و بستر ساز امنیت و در پیوند تنگاتنگ و ناگسستنی با هم ، مطرح و مورد تاکید قرار گرفته است. و امنیت منهای عدالت،علاوه بر این که به لحاظ نظری تناقض آمیز بوده،به لحاظ عملی، زمینه ساز استبداد و دیکتاتوری و ظلم وستم بـر مـردم و پایمـال شدن حقوق آنان، و در نتیجه عصیان و نارضایتی و سقوط نظام و حکومت، تلقی شده است.

کتابنامه

قرآن کریم

نهج البلاغه، ۱۳۷۳ ش، ترجمه وشرح: فیض الاسلام، تهران، انتشارات فیض الإسلام

الکلینی،محمدبن یعقوب بن اسحاق، ۱۳٦۵ش،" **الکافی** " چاپ چهارم، تهران، دارالکتب الاسلامیه

ابی یعلی، محمدبن الحسین الفراء، ۱٤۰٦ق، " **احکام السلطانیه**"، قم ، مکتب الاعلام الاسلامی

الماوردی، ابی الحسن علی بن محمد، " **احکام السلطانیه** " بی تا ، قم، مکتب الاعلام الاسلامی

الذهبی، شمس الدین محمدبن احمد، ۱٤۱۹ق، " **تذکرة الحفاظ** " بیروت، لبنان، دارالکتب العلمیه

العلامة العسکری، السیدالمرتضی، ۱٤۱۰ ق " **معالم المدرستین**" لبنان، موسسهٔ النعمان

الکلینی، محمدبن یعقوب بن اسحاق، ۱۳٦۵ش" **الکافی** " چاپ چهارم، تهران، دارالکتب الاسلامیه

راغب الاصفهانی، حسین بن محمد، ۱٤۱۲ ق، " **المفردات فی غریب القرآن** " بیروت، دارالقلم

معلوف، لویس، ۱۳۸۹ش " **المنجد ،فی اللغة والأدب والعلوم** " لبنان، موسسه الکاثولیکیه

غزالی، محمدبن احمد، ۱۳۱۵ش " **نصیحة الملوک** " با مقدمه وتصحیح: جلال همایی، تهران، چاپخانه مجلس

پاینده، ابوالقاسم، ۱۳۸۵ش " **نهج الفصاحه** " (مجموعه کلمات قصارحضرت رسول(ص)) چاپ ششم، تهران، انتشارات جاویدان

آمدی تمیمی، عبدالواحد، ۱٤۱۰ ق، " **غررالحکم و دررالکلم** "چاپ دوم ، قم، دارالکتب الاسلامی

فیض الکاشانی، محسن، ۱٤۱٦ق " **الصافی** " چاپ دوم، تهران، مکتبة الصدر

الحرانی، حسن بن حسین بن شعبه، ۱۳٦۳ش، " **تحف العقول عن آل الرسول (ص)** " چاپ دوم، قم، / انتشارات اسلامی جامعه مدرسین

مسلم، بن حجاج نیشابوری، ۱۳۲۹-۱۳۳٤ق، " **صحیح مسلم** " ترکیا، دارالطباعه العامره

الجعفرالخلیلی، جواد، بی تا " **السقیفه أم الفتن** " بیروت ، الإرشاد لطباعه والنشر

علامه طباطبایی، سیدمحمدحسین ،۱۳۸۲ش. " **المیزان** " ترجمه : موسوی همدانی، قم ، چاپخانه جامعه مدرسین

جوادی آملی، عبدالله ، ۱۳۷۸ ش " **تفسیر تسنیم** " قم ، اسراء
مکارم شیرازی، ناصر ۱۳۷٤، ش " **تفسیرنمونه** " تهران ، دارالکتب الاسلامیه
عمیدزنجانی، عباسعلی ، ۱۳۸۸ش، " **فقه سیاسی** " تهران ، انتشارات مجد
عبدالله خانی، علی ۱۳۸۳ش " **نظریه های امنیت** " تهران، موسسه ابرار معاصر
اخوان کاظمی ، بهرام ۱۳۸۵ش، " **امنیت در نظام سیاسی اسلام** " تهران ، کانون اندیشه جوان
اخوان کاظمی، بهرام ۱۳۸۲ش، " **عدالت در اندیشه های سیاسی اسلام** " قم، بوستان کتاب
باری بوزان ، ۱۳۷۸ش " **مردم دولتها و هراس** " تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی
مطهری، مرتضی ، ۱۳٦۷ش " **عدل الهی** "چاپ سوم ، تهران ، انتشارات صدرا
صدرا،علیرضا ۱۳۸۱ش " **ویژگی های فقه سیاسی اهل سنت**" نشریه :" علوم سیاسی" شماره
منتظری، حسین علی، ۱۳۷۹ش، " **مبانی فقهی حکومت اسلامی** (دراسات فی ولایة الفقیه..)، ترجمه وتقریر: محمود صلواتی، تهران، چاپ، هاشمیون
مکارم شیرازی، ناصر۱۳۸٦ش،" **آیات ولایت در قرآن** " تهیه وتنظیم : ابوالقاسم علیان نژادی، چاپ سوم، قم، انتشارات نسل جوان
قادری، حاتم،۱۳۷۸ش" **اندیشه های سیاسی در اسلام وایران**" چاپ اول،تهران، سمت.